

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هشتم. شماره ۲۹. پاییز ۱۳۹۵

صفحات: ۱۲۳-۱۱۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۲/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۵

نقش و جایگاه اجتماعی زنان دوره ی پارتی

مریم قاسم نژاد*

حسین کوهستانی**

چکیده

هدف این پژوهش بررسی وضعیت زنان، نقش و جایگاه آنان در طبقات اجتماعی دوره ی پارتی بود. این پژوهش به شیوه ی توصیفی تحلیلی انجام یافته است. شیوه ی گرد آوری اطلاعات به شیوه ی کتابخانه ای است و سعی شده تا همه ی بازنمایی های زنان این دوره بر اساس داده های باستان شناختی و آثار باقی مانده هنر پارتی مورد مطالعه قرار گیرد همچنین تاثیر فرهنگ و هنر یونان را بر روی پوشش زنان پارتی بررسی کند. نتایج این پژوهش نشان داد که در این دوره بیشتر از ادوار پیشین به شمایل نگاری زنان توجه و پرداخته شده بود و حضور زنان در جامعه نسبت به دوره هخامنشیان کم رنگ تر بود.

کلید واژگان: زنان، دوره ی پارتی.

* کارشناسی ارشد باستان شناسی دانشگاه بیرجند (Maryamghasemnezhad@birjand.ac.ir)

** استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند گروه باستان شناسی (نویسنده مسئول، hkoohestani@birjand.ac.ir)

مقدمه

زنان همواره نقش مهم و تاثیر گذار در طول تاریخ ایفا کرده اند، چنان که گاهی با مطالعه دقیق اسناد تاریخی می توان به این حقیقت پی برده می شود. این امر در مورد پارتیان به دلیل کمبود منابع و پژوهشهای مدون با مشکلات بیشتری رو به روست هر چند مطالعات بسیار خوبی درباره پوشاک زنان دوره پارتی صورت گرفته اما موضوع مهم تر درباره پارتیان بررسی جایگاه و نقش زنان این دوره است زیرا یکی از ضوابط برجسته ی تمدن و شایستگی ملتی با فرهنگ، چگونگی وضع اجتماعی و مقام زن در آن جامعه می باشد. دلیل دیگر اهمیت موضوع زنان در تاریخ ایران نوشته های سطحی برخی مورخان یونانی درباره ی وضعیت و جایگاه زنان ایران است که بعضاً در انگیزه های سیاسی و رابطه ی نسبتاً خصمانه ای که همواره میان ایران و یونان در دوران باستان بوده ریشه دارد. در طی مقاله زنان در دو دسته ی زنان درباری و زنان عادی بررسی خواهند شد و مسائل حقوقی، پوشش، تاثیرپذیری و تاثیر گذاری آنها در جامعه ی آن دوران ایران نیز از مسائل حائز اهمیت در این پژوهش است. سوالات این پژوهش عبارتند از: نقش و جایگاه زنان دوره ی پارتی نسبت به پیش از خود چه تغییری یافت؟، تاثیر نفوذ فرهنگ یونان بر بانوان دوره ی پارتی چه اندازه بوده است؟ نوشته های مورخین یونانی درباره زنان پارتی تا چه حد صحیح و قابل استناد است؟

روش شناسی

منابع قابل استفاده درباره ی زنان پارتی را میتوان در دو دسته ی منابع باستان شناسی و منابع تاریخی بررسی کرد. منابع باستان شناسی شامل نقش برجسته ها، سکه ها، الواح، پیکرک . کتیبه ها می باشند و منابع تاریخی بیشتر شامل نوشته های تاریخ نویسان به خصوص یونانیان در این رابطه است و از آنجا که متاسفانه منبعی به زبان پهلوی اشکانی در دسترس نیست تا به وسیله ی آن بتوان به جایگاه اجتماعی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی زنان پارتی پی برد، آنچه امروز به عنوان پادشاهی پارتی شناخته میشود بیشتر بر اساس نوشته های ناقص رومیان و یونانیان است (گریگوراتی^۱، ۲۰۱۵: ۷۳۱) لذا سعی شده این آثار که به دلیل دشمنی ایران با روم و یونان غالباً بسیار مغرضانه نگارش یافته اند با نگاهی انتقادی بررسی شود. از جمله منابع بررسی شده در این پژوهش نوشته های تاریخ شناس یهودی فلاویوس جوزفوس^۲ است. در این مقاله تلاش می شود به تحلیل منابع تاریخی موجود پرداخته شود تا درک درستی از موضوع مورد نظر ارائه شود و شیوه ی گرد آوری اطلاعات در این مقاله به شیوه ی کتابخانه ای است و تلاش شده تا تمام منابعی که میتواند در فهم و تحلیل موضوع مورد نظر موثر باشد استفاده شود.

۱. Gregoratti

۲. Flavius Josephus

پیشینه پژوهش

اکثر پژوهشگرانی که در زمینه ی پارتیان کار کرده اند کمتر به مساله ی زنان این دوره پرداخته اند. مقاله ای در رابطه با همسر فرهاد چهارم توسط بیگ وود^۱ (۲۰۰۴) ارائه شد که از جمله محدود پژوهش ها در این زمینه است. استروگنل^۲ (۲۰۰۸) هم درباره این زن مقاله ای در سال ۲۰۰۸ تحت عنوان موزا ملکه ی رومی پارتی ها به چاپ رساند. حتی تاریخ دان مشهور یهودی فلاویوس جوزفوس نیز در نوشته های خود درباره زنان پارتی تمرکز زیادی روی ملکه موزا دارد از جمله دیگر پژوهش های صورت گرفته در رابطه با زنان پارتی میتوان به مقاله ای از بروسیوس^۳ (۲۰۱۰) اشاره کرد که تحت عنوان زنان در ایران پیش از اسلام انتشار یافته و در آن به وضعیت زنان پارتی نیز پرداخته شده است.

مختصری درباره ی پارتیان

بی شک وضعیت اجتماعی زنان در هیچ دوره و تاریخی از وضعیت عمومی آن مجزانیست از این روی بررسی وضعیت کلی جامعه و حکومت پارتی برای رسیدن به موضوع مقاله یعنی بررسی جایگاه، موقعیت و نقش زنان پارتی در جامعه حائز اهمیت است. حکومت پارتیان خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر حکومتی پیش از خود یعنی سلوکیان قرار گرفت. حکومتی که توسط سلوکوس اول، یکی از سرداران اسکندر تشکیل شد و سرانجام توسط پارتیان سرنگون شدند (موری^۴، ترجمه: جلیلیان، ۱۳۸۰: ۵۳). پارتیان از سال ۲۴۷ پیش از میلاد تا به ۲۲۴ میلادی حکومت کردند. اما منابع مطالعاتی مربوط به پارتیان علی رغم طولانی بودن زمان حکومت بسیار اندک است. از مهمترین وقایع این دوران می توان به سلسله جنگهای ایران و روم اشاره کرد. زیرا دوره ی پارتی دوره ای است که ایران استقلال از دست داده ی خود در دوره ی هخامنشی را باز میابد و در این دوره ایران، مبارز نیرومند امپراتوری روم می گردد (پیرنیا، ۱۳۸۹: ۲۱۷۲). از این رو تاثیر پارتیان بر امپراتور روم و تاثیر رومیان در حکومت پارتیان مساله ای است که بر بسیاری از مسائل در آن دوران تاثیر گذاشت و باعث شکل گیری ازدواج های سیاسی میان این دو امپراطوری عظیم گشت.

تاثیر هنر و فرهنگ یونان بر پارتی ها

اسکندر و جانشینانش در توسعه ی فرهنگ و هنر هلنیسم^۵ در مشرق زمین نقش مهمی ایفا کرده اند (آذری، ۱۳۷۸: ۷). حتی بعد از انقراض دولتهایی که یونانیان و مقدونیان در راس آن بودند دولتهای ملی که جانشین حکومت های پیشین گشتند خیلی چیزها را از اسلاف خود به ارث بردند که نمونه

۱. Bigwood

۲. Strugnell

۳. Brosius

۴. Mouri

۵. Hellenization

بارز آن نفوذ و تاثیر فرهنگ هلنی در طی چندین قرن در هنر آسیای مقدم و میانه بوده است چنان که شاهان پارت در ضرب سکه از یونانیان تقلید می کردند و نوشته ی سکه ها تا قرن اول میلادی به زبان یونانی بوده حتی اردوان سوم نامه ی خویش را خطاب به حاکم شهر شوش به زبان یونانی نوشته است (دیاکونف^۱، ترجمه کشاورز، ۱۳۵۱: ۱۱۷). خاراکسی^۲ (۱۹۱۴) هم در کتاب خود آورده است که بر همه ی چهار درهمی های زمان فرهاد چهارم، سال و ماه ضرب معلوم است. مبدا تاریخ در آنها مبدا سلوکی است ماه ها هم همان ماههای تقویم سلوکی است (خاراکسی، ۱۹۱۴، ترجمه میرزایی، ۱۳۹۲: ۸۲) و این نفوذ فرهنگ یونان تا زمان فرهاد چهارم وجود دارد، که این نفوذ را می توان در ایجاد تغییر در پوشش زنان پارتی نیز مشاهده کرد. اما هنر اواخر پارتی فارغ از آخرین تحولات هنری در حال ظهور یونانی است و وارث بلافصل هنر هخامنشی است که الگوی مهرداد اول نیز بود (ورستاندیک^۳، ترجمه بهفروزی، ۱۳۸۶: ۲۹۱). در ایران باستان، زن مقام ارجمندی داشته است. شواهد اثبات این موضوع فراوان است مانند اوستا که در آن همه جا نام زن و مرد در یک ردیف ذکر شده زنان و مردان پارسا از نظر تقدس با هم ذکر شده اند و چون زن موجب احترام و سربلندی مقام خانه است، (وندیداد سوم) اندیشه نیک و گفتار و کردار خوب و فرمانبرداری از شوهر در اوستا برای زن از صفات پسندیده و برجسته شمرده شده است. همچنین در ایلام نیز ملکه هایی به عنوان فرمانروایان متنفذ شایسته ی ذکرند. نیای پارتی ها^۴ و مادر متبرک (آماهاشدوک^۵) یکی از چند ملکه ایست که به عنوان فرمانروا، از استقلال کامل بهره مند بودند (حدود ۱۸۰۰ پیش از میلاد) (سیرت^۶، ترجمه بهزادی، ۱۳۷۹: ۹۶). در کتاب تاریخ بخارا که مقارن با ظهور اسلام در فرارود، در بخارا زنی حکومت می کرده است. پلوتارک^۷ نیز میگوید: "حتی شاهان بزرگ پارس احترام شهبانوی مادر را همواره نگاه میداشتند و در سر میز خوراک بالاترین جا ویژه ی او بود. تا آنجا که اردشیر دوم پایینتر از مادرش مینشست و و زن او استاتیرا پایین تر از او (پلوتارک، ترجمه مشایخی، ۱۳۶۹: ۵۳) منابع در رابطه با اهمیت زن در ایران باستان بسیار است و حتی میتوان گفت منابع زنان در ایران باستان به ویژه دوره هایی به جز پارتی بیشتر است علت کمبود آثار و منابع اشکانی را می توان حکومت متعصب ساسانی دانست که به دلیل گرایشات مذهبی خود و این حقیقت که هر حکومت جدید که روی کار می آید تلاش زیادی در صدد کمرنگ جلوه دادن حکومت پیش از خود دارد دانست حتی در جایی آمده است که در جای بناها و آثار تاریخی مربوط به این دوره مانند مهر کده یا مهرابه (نورابه) دامغان ساختمان هایی به نام حکومت و آیین خود "زرتشتی" ساختند تا ضمن ماندگاری نام سلسله ی متعصب مذهبی آنان در نابودی آثار اشکانی هم کوشیده

۱. Diakonoff

۲. Kharaksi

۳. Verestanding

۴. Epartides

۵. Ammahashduk

۶. Seibret

۷. Plutarch

باشند (حقیقت، ۱۳۸۴: ۴). به دلیل همین کمبود منابع بسیاری از نتیجه گیری های ما از زنان پارتی می تواند متأثر از وضعیت زنان در ایران باستان باشد.

زنان در دربار پارت

از جمله زنان پارتی که در اسناد از او صحبتی شده است رود گونه^۱ است او دختر مهرداد اول از شاهان پارت بود که همسر دمتریوس شد. دمتریوس در جنگ با مهرداد اول شکست خورده بود و مهرداد با او به نیکویی رفتار کرد و رود گونه را به همسری او داد (خلیلی، ۱۳۸۱: ۲۰۸). بنا به گفته ی برخی منابع رینو ملکه مهرداد و مادر فرهاد نیابت سلطنت را تا رسیدن بلوغ فرهاد به عهده داشت و سال ۱۳۷-۱۳۸ ق.م فرزندش فرهاد به سلطنت رسید که چون صغیر بود مادرش رینو نیابت سلطنت را به عهده داشت (خلیلی، ۱۳۸۱: ۱۹۵). از دیگر زنان دوره پارتی که در منابع تاریخی از او صحبتی به میان آمده میتوان به ملکه موزا اشاره کرد. ملکه موزا همسر فرهاد چهارم بود که امپراتور روم آگوستوس او را برای فرهاد چهارم فرستاد (استروگنل، ۲۰۰۸: ۲۷۵) و او چنان دل از شاه ربود که شاه پس از دنیا آوردن یک پسر او را تا مقام ملکه ارتقا داد و پیش از آن او همسر رسمی شاه نبود. از اینکه هدف آگوستوس از این کار چه بود مشخص نیست اما هرچه بود آمدن او به دربار پارتی عواقب اندوهباری با خود داشت. اساساً نه تنها در ایران، بلکه در تمامی نقاط جهان، ورود زنان به صحنه سیاست از جلوه های مدرنیته و پدیده ای نوظهور است اما این مساله گویا به وضوح در دوره ی پارتی در رابطه با ملکه موزا حضور داشته و منابع حاکی از حضور گسترده ی او در امور سیاسی است. موزا فرهاد را راضی کرد که پسر او را با نام فرهاد پنجم به جانشینی برگزیند. او همچنین فرهاد را راضی کرد که چهار پسر را با زنان و فرزندانشان نزد حاکم سوریه بفرستد تا بتوانند به عنوان افراد عادی در امپراتوری روم زندگی کنند. سپس موزا که رقیبان را از میدان به در کرده بود فرهاد چهارم را با سم مسموم کرد (گریگوراتی، ۲۰۱۲: ۱۸۵) تا زودتر پسرش بر تخت بنشیند در نتیجه فرهاد پنجم از سال ۳/۲ ق.م تا ۴ میلادی سلطنت کرد (ولسکی^۲، ۲۰۰۴). نکته دیگر درباره این زن پر از حاشیه و جنجال دوره ی پارتی ازدواج او با پسرش فرهاد پنجم است (ولسکی، ترجمه ثاقب فر، ۱۳۸۳: ۱۶۶ و ۱۶۷). همسران خانواده سلطنتی و زنان قصر، پادشاه را در اردوگاه های نظامی همراهی می کردند و بنابراین اغلب در خطر اسیر شدن به وسیله دشمن و یا حتی کشته شدن بودند در میان شاهزاده خانم های پارتی که به وسیله ی رومی ها اسیر شد دختر خسرو بود که به وسیله تراژن گروگان گرفته شد بعد از اشغال تیسفون به پادشاه پارتی برگردانده شد (بروسیوس، ۲۰۱۰: ۴۵). حرم خانه ی پادشاه عبارت بود از یک نفر زن محرمه که زوجه ی پادشاه و ملکه ی مملکت بود و به همین لقب نامیده میشد و مابقی زنان در حکم متعه یا مقنیه و مطربه بودند. در دولت پارتیان قانون این بود که ملکه از شاهزاده خانم های خانواده ی سلطنت باشد اما گاهی تخلف از

۱. Rhodogune

۲. Volsky

این قانون می نمودند و یکی از دخترهای سلاطین دوول خارجه را به زنی می گرفتند یا رعناپی و زیبایی کنیزکی رامشگر و غیر رامشگر، پادشاه رامفتون خود می ساخت و ملکه کشور می شد. بیشتر کنیزان و رامشگران از یونان اسیر شده آورده داخل حرم خانه می کردند گاهی اوقات نیز یونانی های ساکن در بلاد پارتی دختران خود را تربیت کرده ساز و آواز می آموختند و به عنوان هدیه و پیشکش به حرمسرای فرستادند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۲۱۸ و ۲۱۹). در صدر حرم بانوی بانوان یا شاهبانوان بودند اینان چه بسا همانطور که از نوشته های اورامان کردستان برمی آید مشتمل بودند بر خواهران پادشاه و دست کم در یک مورد مادر شاه. گرچه از رفتار و نفوذ شاهبانوان در منابع کهن چندان مطلبی به ما نرسیده اما می توان دریافت که اینان هم مانند همپایه های مصری و رومی خود در مزاج شاهان در نهان نفوذی داشتند. گاهی در تاریخ گذاری مدارک نام شاه بانوان با پادشاهان برابر آورده می شود (کالج^۱، ترجمه رجب نیا، ۱۳۸۳: ۵۴) که نشانگر جایگاه ارزشمند و بالای شاهزاده خانم های پارتی دارد. تصاویری که از کاخهای پارتی در کاخ هاترا و کاخ بلاش سوم در تیسفون بدست آمده نشان می دهد که اندرونی این کاخ ها کاملاً با بخش بیرونی جدا بوده و زنان در مکانهایی مخصوص به خود زندگی می کردند (جلیلیان و فاطمی، ۱۳۹۲: ۲۷) از این روی ریشه ی این تفکیک فضاها را که به صورت اندرونی و بیرونی در معماری اسلامی نیز به چشم می خورد را می توان تا کاخ های پارتی نیز دنبال کرد.

ازدواج و خانواده در میان پارتیان

در باره ی ازدواج و خانواده در میان پارتیان آمده است که: زن گرفتن زیاد در نزد پارتی ها معمول بوده ولی بیش از یک زن عقدی نمی توانستند داشته باشند البته این مطلب از طریق نویسندگان بیگانه روایت شده. ژوستن^۲ می گوید: "زن زیادی گرفتن به گونه ی غیر عقدی در بین آنها به ویژه خانواده شاهی از زمانی متداول شده بود که توانگر شده بودند شاهان پارتی زن عقدی خود را از میان شاهزاده خانم ها یا دست کم زنان پارتی برمی گزیدند زنان به طور معمول نمی توانستند پیش از مرگ شوهرانشان، شوهر دیگری برگزیند یعنی نمی توانسته طلاق بگیرد ولی زنان خانواده دار در صورت خشنود نبودن از شوهر خود به آسانی طلاق می گرفتند. مرد نیز در ۴ مورد می توانسته زن خود را رها سازد: وقتی که زن نازا بود، وقتی که زن به جادوگری می پرداخت، وقتی اخلاقی فاسد بود.

یکی از ویژگی های دوره ی پارتی دخالت نکردن زنها در کارهای دولتی است. جنایاتی که در خانواده واقع می شد چون کشته شدن زن به دست شوهر یا خواهر به دست برادر یا برادران با یکدیگر به دادگاه کشیده نمی شد و بایستی خود خانواده قراری درباره این گونه جنایات بدهند زیرا در باور پارتیان، به حقوق همگانی مربوط نبود و گمان می کردند تنها به حقوق خانواده زیان وارد

۱. Colleg

۲. Justin

می آید اما اگر دختر یا خواهر شوهر دار موضوع چنین جنایتی قرار می گرفت کار به دادگاه می کشید زیرا زنی که شوهر می کرد جزو خانواده شوهر به حساب می آمد. مجازات خیانت زن به مرد خیلی سخت بوده و مرد می توانسته همسر خود را بکشد (رضایی، ۱۳۸۷: ۶۸۰). ناگفته نماند که منبع اصلی برای نقل این مطالب نوشته های مورخان یونانی بوده است که به دلایلی که پیش تر گفته شد نوشته هایشان در اکثر موارد تحت تاثیر روابط خصمانه با ایران بوده است. اسناد اورامان که از محدود اسناد به جای مانده در دوره ی پارتی است چند همسری در این دوره را تایید کرده و همچنین بیانگر اهمیت حرم برای شاهان پارتی بوده زیرا بسیاری از زنان حرم زنان امیران و نشان دهنده ی پیوند های سلطنتی بودند (فیروزمندی و خان مرادی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). ژوستن نویسنده یونانی درباره زنان پارتی میگوید: زنان در جای خاص خود میزیستند و محدود بودند و هیچ زنی حق صرف خوراک در حضور شوهر نداشت و در مکانهای عمومی نباید ظاهر میشد. شکی نیست که در این کلام ژوستن اغراق وجود دارد اما شواهدی بر محدودیت زنها در جامعه ی پارتی یافت شده و از اسناد قانونی دورا چنین بر می آید که زنان بیشتر بی سواد بودند (کالج، ترجمه رجب نیا، ۱۳۸۳: ۷۷). ازدواج با محارم نیز از مسائلی است که منابع یونانی از آن سخن گفته اند که درباره ی این مساله تنها یک مورد مشاهده می شود و آن هم ازدواج موزاو یا به گفته ی فلاویوس جوزفوس مورخ یهودی ترامزاهمسر فرهاد چهارم است که کنیزی رومی بود که همانطور که پیشتر گفته شد با پسرش فرهاد پنجم ازدواج کرد.

پوشش زنان در دوره ی پارتی

در داده های باستان شناختی دوره ی پارتی نگاره های زیادی از زنان دیده نمی شود اما نباید پنداشت که با نابودی هخامنشیان به دست اسکندر پوشش زنان و مردان به کلی دگرگون شود زیرا پارتیان تمایل زیادی به استفاده از رویکردهای هخامنشیان داشتند و حتی تلاشی که از سوی پارتیان صورت گرفت و بیشتر جنبه ی تبلیغاتی داشت مرتبط کردن قوانینشان با دوره ی هخامنشی بود (گریگوراتی، ۲۰۱۵: ۱۴) منابع پارتی برای شناخت پوشش زنان نقاشی های کوه خواجه، نگاره های روی سکه، یادگارهای هنر پارتیان در هاترا، پالمیرا، دورا اروپوس و نسا است (جلیلیان و فاطمی، ۱۳۹۲: ۳۰). اما نباید از این نکته غافل بود که به هر روی فرهنگ یونان که در دوره ی پارتی به ویژه در اوایل این دوره بسیار در فرهنگ ایران تلفیق شده بود تفاوت هایی نیز در سبک پوشش مردم ایجاد کرد. با توجه به شباهتی که میان پوشش زنان و مردان با یکدیگر در دوره ی هخامنشی بوده این مساله در دوره ی پارتی کمرنگ تر می شود و با توجه به اسناد یافت شده از تصویر زنان و مردان پارتی و مقایسه ی آنها این نکته ثابت می شود. تصویری که از ملکه ی پارتی بر روی سکه بلاش دوم بدست آمده زنی را با نیم تاجی نشان می دهد و پارچه ای از لباس او بر زیر سینه بسته می شود که پوشش این تصویر شباهت زیادی با پوشش زنان یونانی دارد. نقشهای روی البسه ی پارتیان نیز با تزیین های معماری یونانی مشابهت دارد بنابراین فن استفاده از این نقشها و بهره مندی از آن در

طراحی پارچه به خلاقیت هنری و ذهن شکوفای هنرمند آن دوره باز می گردد (دادور و حدیدی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

تصویری از ملکه موزا همسر فرهاد چهارم بدست آمده که تاجی شبیه به تاج هخامنشی دارد. نقاشی رنگی دیواری روی گچ در کوه خواجه در سیستان نگاره ی یک فرمانروای پارتی همراه با زن وی دیده می شود که متعلق به سده ی اول میلادی و جزو معدود تصاویر زن از دوره ی پارتیست که بر جای مانده (گیرشمن^۱، ترجمه بهرام فره وشی، ۱۳۷۰: ۴۲).

در بخش سفر تیردات به روم از کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی پارتیان گزارش شده، که این سفر توسط تیردات باهمسرش به روم صورت گرفته. زن او که ملکه ی ارمنستان بود به جای اینکه مانند زنان ایران روی بندی بر چهره بندد با رویی گشاده کلاه خودی بر سر نهاده و سوار بر اسب در کنار شوهر خود حرکت می کرد (مشکور و رجب نیا: ۱۳۷۴، ۳۴۲). همانطور که دیده می شود در این کتاب از پوشش تحت عنوان چهره بند برای زنان ایرانی صحبت شده که اگر هم پوششی رایج میان زنان پارتی بوده احتمال دارد بیشتر در میان زنان عامه رواج داشته است تا شاهزادگان و طبقه اشرافی. در نقاشی های دورا اروپوس شرکت زنان خانواده کنون در مراسم مذهبی مشاهده می شود. زنی در این تصویر پوششی مانند چادر بر سر دارد. اما در تصویری در شوش که بر پلاکی سفالی حک شده زنی در حال انجام امور مذهبی است در کنار عود سوزی است که موهای کوتاه و صافی دارد (ون اینگن^۲، ۱۹۳۹: ۱۶۸) قابل قبول ترین نتیجه درباره ی پوشش زنان پارتی تلفیقی از پوشش زنان هخامنشی و یونانی است. حضور زنان یونانی در حرمرای پادشاهان پارتی با خود طریقه پوشش یونانیان را در میان زنان پارتی می آورد.

فعالیت اجتماعی زنان پارتی مساله ای است که بحث بر سر آن به علت کمبود منابع دشوار است در برخی منابع پارتی، زنان را نقش نوازندگان و یارقاصان را داشتند. مثلاً در هترا دختری جوان با نام سمی روی سکویی که نام او بر آن حک شده ایستاده و دفی به رنگ قرمز در دست چپ دارد احتمال می رود او خواننده و یارقاص معبد کبیر هترا بوده است (خان مرادی، ۱۳۹۴: ۹۹).

زمانی که اسناد دوره های پیشتر چون هخامنشی بررسی می شود، زنان در کارگاههای خیاطی و بسیاری از مشاغل دیگر بودند و همچنین بر اساس اسناد دوران هخامنشی زنان صاحبان املاک زیادی بودند که برای سرکشی از املاکشان همراه با پیشکار خود به تنهایی به مناطق مختلف سفر می کردند یکی از نمونه های کاملاً مشهود در الواح هخامنشی آمده است، اریستونه دختر کوروش دارای املاک فراوانی بوده و دائماً برای سرکشی به املاک و یا دیدن شاه بین شوش و تخت جمشید در سفر بوده است و یا ملکه رته بامه که املاک و کاخ های فراوانی در ایلام داشته و دارای حساب رس های فراوانی بوده است و حتی طبق اسناد، خود شخصاً به حساب ها رسیدگی می نمود (ماری کخ، ۲۰۰۴، ترجمه: رجبی ۱۳۸۹: ۲۷۲) که این موضوع نشان دهنده قدرت اقتصادی، مالیاتی و حتی

۱. Ghirshman

۲. Von Ingen

حساب رسی زنان در دوران هخامنشی بوده است از این روی احتمال شرکت آنها در فعالیت های اقتصادی در دوره پارسی نیز می‌رود اما تنها زنی که نام او در اسناد اقتصادی پارسی در نسا آمده زنی با نام بانوپاش است که موقعیت اجتماعی او در این سند نامشخص است (دیاکونف، ۱۹۷۶، ترجمه حیدرآبادیان، ۱۳۸۳: ۱۳۵). اما به دلیل کمبود منابع احتمال می‌رود حضور زنان پارسی در عرصه ی اجتماعی و اقتصادی اگرچه وجود داشته ولی کمتر از دوره ی هخامنشی که اسناد تخت جمشید حضور گسترده زنان را در جامعه تایید می کند بوده است.

بحث و نتیجه گیری

به دلیل کمبود منابع از دوره ی پارسی و به ویژه زنان ارائه ی اطلاعات دقیق و معتبر درباره وضعیت زنان بسیار مشکل است. مطالب ارائه شده درباره زنان پارسی در متون تاریخی اغلب نگارش یافته به قلم مورخان یونانی است که به دلیل روابط خصمانه با ایران و مسائل سیاسی میان دو کشور نمی توان منکر نوشتن جانبدارانه آنها شد و بی شک تلاش آنان در منفی نشان دادن جایگاه و نقش زنان ایران در نوشته هایشان کاملاً مشهود است هر چند برخی از این نوشته ها گاهی اطلاعات مفید و مستندی هم ارائه می دهند. از زنان پادشاهان پارسی تنها زنی که بسیار مورد توجه پژوهشگران واقع شده همسر فرهاد چهارم و پنجم ملکه ی موزا بوده که این همسر رومی پادشاه ایران را می توان بسیار سیاستمدار و قدرتمند تصور کرد. اسنادی چون چرم نوشته های اورامان و اسناد بابلی نشان از جایگاه والای زنان درباری دارند. نفوذ فرهنگ یونان در ایران در دوره ی پارسی تفاوتی غیر قابل انکار را در پوشش و فرهنگ و جایگاه زنان پارسی ایجاد می کند هر چند درباره پوشش آنها نمی توان به طور قطع اظهار نظر کرد و در منابع تلفیقی از پوشش هخامنشی و یونانی مشاهده می شود. حرمسرا با توجه به منابع پارسی وجود داشته که با اینکه نشانگر از دواجهای اشرافی و سیاسی پادشاهان پارسی بوده و اکثریت آنها را شاهزادگان تشکیل می دادند اما بعضاً کنیزانی هم بدان راه می افتند که نمونه بارز آن ملکه موزاست که ابتدا کنیزی رومی بود. میزان اطلاعات درباره ی زنان غیر درباری بسیار محدود است و این مساله مانع از اظهار نظر قطعی در رابطه با آنها می شود اما می توان گفت با توجه به منابع زنان پارسی در اموری مانند خوانندگی و نوازندگی، رقصی و امور اقتصادی فعالیت داشته اند. اما به هر روی نمی توان به دلیل کمبود منابع منکر فعالیت آنها در جامعه و در امور گوناگون شد.

منابع

- آذری، علاء الدین. (۱۳۷۸). اشاره ای به روابط فرهنگی ایران و یونان در عصر پارسی. مجله ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۷۷ و بهار ۱۳۷۸، (۱) ۷-۱۲.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۷۱). درر التیجان فی تاریخ بنی الاشکان، تهران: انتشارات اطلس.
- پلوتارک، ل. حیات مردان نامی. ترجمه ی رضا مشایخی. (۱۳۶۹). جلد ۳، تهران: انتشارات علمی

فرهنگی.

- پیرنیا، حسن. (۱۳۸۹). ایران باستان. جلد ۳، تهران: انتشارات نگاه.
- جلیلیان، شهرام. و فاطمی، سید علی. (۱۳۹۲). پوشش زنان در دوره ی پارتیان. مطالعات تاریخ فرهنگی، سال ۴، شماره ۱۶، ۲۱-۴۲.
- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۸۴). پانصد سال حکومت پارتیان. تهران: انتشارات کومش.
- خارا کسی، ایسیدور. (۱۹۱۴). منزلگاه های اشکانی، ترجمه ی علی اصغر میرزایی. (۱۳۹۲). تهران، نشر ماهی.
- خان مرادی، مژگان. (۱۳۹۴). پژوهشی بر آلات موسیقی دوره ی پارتی. مجله مطالعات ایرانی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، سال ۱۴، شماره ۲۷، ۹۵-۱۱۴.
- خلیلی، کامیاب. (۱۳۸۱). زنان بنام در تاریخ ایران. تهران: انتشارات قصیده سرا.
- دادور، ابوالقاسم. و حدیدی، الناز. (۱۳۸۸). مطالعه ی تطبیقی پوشاک زنان پارتی و یونانی در دوران هلنیستی. مجله ی زن در توسعه و سیاست، بهار ۱۳۸۸، شماره ۲۴، ۱۰۹-۱۲۸.
- دیاکونف، آی. ام، لیوشیتسن، آ. (۱۹۷۶). کتیبه های پارتی نسا (اسناد اقتصادی). ترجمه شهرام حیدر آبادیان. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات کلام شیدا.
- دیاکونف، ایگور میخائیل. اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز. (۱۳۵۱). تهران: انتشارات پیام.
- دیاکونف، ایگور میخائیل. اشکانیان. ترجمه کریم کشاورز. (۱۳۵۱). تهران: انتشارات پیام.
- رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۷۸). گنجینه تاریخ ایران. جلد ششم پارتیان، تهران: انتشارات پیکان.
- سیبرت، ایلسه. زن در شرق باستان. ترجمه رقیه بهزادی. (۱۳۷۹). تهران: انتشارات پژوهنده.
- فیروزمندی، بهمن و خان مرادی، مژگان. (۱۳۹۳). درآمدی بر شناخت زنان ایران در عصر پارتی. مجله زن در فرهنگ و هنر، سال ۶، شماره ۲۰، ۲۶-۴۹.
- کالج، مالکوم. پارتیان. ترجمه مسعود رجب نیا. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات هیرمند.
- گیرشمن، رومن. هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی. ترجمه بهرام فره وشی. (۱۳۷۰). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ماری کخ، هاید. از زبان داریوش. ترجمه پرویز رجبی. (۱۳۸۹). تهران: انتشارات کارنگ.
- مشکور، محمدجواد و رجب نیا، مسعود. (۱۳۷۴). تاریخ سیاسی و اجتماعی پارتیان " پارتیان یا پهلویان قدیم ". تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- موری، پیترا جرت استیوارد. ایران باستان. ترجمه شهرام جلیلیان. (۱۳۸۰). تهران: موسسه انتشاراتی فرهنگی فروهر.
- ورستاندیک، آندره. تاریخ امپراتوری پارتیان. ترجمه محمود بهفروزی. (۱۳۸۶). تهران: انتشارات جامی.
- ولسکی، یوزف. شاهنشاهی پارتی. ترجمه مرتضی ثاقب فر. (۱۳۸۳). تهران: انتشارات ققنوس.

- Bigwood, J.M. (2004). Queen Mousa, Mother and wife of king Phraataces of Parthia: Re-evaluation of the Evidence. *Mouession*, Vol. 4: pp 35-70.
- Brosius, M. (2010). Women. In *Pre-Islamic Persia*. Encyclopedia Iranica.
- Gregoratti, Leonardo. (2012). Parthian women in Flavius Josephus. in Martina Hirschberger, *judisch-hellenistische literatur in ihrem interkultkontext*. Peter Lang Verlag, pp183-192.
- Gregoratti, Leonardo. (2015). The kings of Parthia and Persia: Some considerations on the 'Iranic' identity in the Parthian Empire. *dabirjournal*, Vol. 1, No. 1, 14-16.
- Gregoratti, Leonardo. (2015). In the land west of the Euphrates: the Parthian in the roman empire. *Archaeopress*, 731-735.
- Strugnell, E. (2008). Thea Mousa, Roman Queen of Parthia. *Iranica Antiqua*, Vol. XLIII: 275-298.
- Volsky, Josef. (2004). *Parthian Empire*, translated by Morteza Sagheb Far. Tehran, Qoqnoos press.
- Von Ingen, W. (1939). *Figurines from Seleucia on the Tigris*. The University of Michigan.



Review Of Women's Role And Position In Parthian Era

M. Ghassem-Nejad*

H. Kouhestani **

Abstract

The aim of the current research was to study the position and role of women in Parthian era in the history of Iran. The research was as descriptive-analytic one. The implemented method was library study and followed Parthian women's trace in history base on archaeological data and Parthian art. The influence of Greek art and culture on Parthian women's dress was also investigated. The findings of the research revealed out that women's role in society in Parthian era was less than Achaemenes era but more attention to women's Pictography in Parthian era was observed.

Keywords: women, Parthian era

*M.A. in Archeology, Archeology Department Birjand University

(Email: Maryamghasemnezhad@birjand.ac.ir)

** Assistant Professor, Archeology Department, Birjand University (corresponding author,

email: hkoolestani@birjand.ac.ir)